

مدل پیش‌بینی عملکرد خانواده بر اساس سیستم‌های مغزی رفتاری در زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره: نقش

میانجیگر طرحواره‌های ناسازگار اولیه

سارا سجادی فر^۱، سیمین دخت رضاخانی^۲، معصومه بهبودی^۳

چکیده

مقدمه: خانواده از اعضا تشکیل شده که هر کدام نقشی را در این میان بر عهده دارند و زن مؤثرترین عضو خانواده به شمار می‌آید که اداره خانواده و تربیت و تکامل آن را به عنوان نهادی اجتماعی برعهده دارد و بدین ترتیب اساسی‌ترین نقش را ایفا می‌کند. هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی عملکرد خانواده بر اساس سیستم‌های مغزی رفتاری با میانجیگری طرحواره‌های ناسازگار اولیه زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره بود.

روش پژوهش: پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری پژوهش حاضر شامل زنان متأهل منطقه ۱ شهر تهران در سال ۱۳۹۸ بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس از میان آن‌ها ۳۵۰ نفر انتخاب شدند. ابزار پژوهش حاضر شامل پرسشنامه سنجش خانوادگی مک‌مستر ساخته ایشتاین و همکاران؛ مقیاس سیستم‌های بازداری/فعال‌سازی رفتاری کارور و وایت و نسخه کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ بود. پس از حذف ۲۶ پرسشنامه مخدوش و پرت، جهت تحلیل داده‌ها از روش مدلیابی معادلات ساختاری، نرم افزار ایموس و سطح معناداری ۰/۰۵ استفاده شد.

یافته‌ها: ضریب مسیر کل بین سیستم بازداری رفتاری و عملکرد خانواده ($\beta = -0.234, p < 0.01$) منفی و در سطح ۰/۰۱ و ضریب مسیر کل بین سیستم فعال ساز رفتاری و عملکرد خانواده ($\beta = 0.263, p < 0.01$) مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. ضریب مسیر غیرمستقیم بین سیستم بازداری رفتاری و عملکرد خانواده ($\beta = -0.101, p < 0.01$) منفی و در سطح ۰/۰۱ معنادار بود.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاضر نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه رابطه بین سیستم بازداری رفتاری و عملکرد خانواده را در زنان متأهل میانجیگری می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: زنان، سیستم‌های مغزی رفتاری، طرحواره، عملکرد خانواده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱۶ **تاریخ پذیرش نهایی:** ۱۴۰۰/۹/۲۰

استناد: سجادی فر س، رضاخانی س، بهبودی م. مدل پیش‌بینی عملکرد خانواده بر اساس سیستم‌های مغزی رفتاری در زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره: نقش میانجیگر طرحواره‌های ناسازگار اولیه، خانواده و بهداشت، ۱۴۰۱؛ ۱۲(۲): ۱۴۵-۱۲۹

^۱ دانشجوی دکتری رشته مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

^۲ نویسنده مسئول، استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران، rezakhani@riau.ac.ir

^۳ استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

© حقوق برای مؤلف (آن) محفوظ است. این مقاله با دسترسی آزاد در خانواده و بهداشت تحت مجوز کرییتو کامنز (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) منتشر شده که طبق مفاد آن هرگونه استفاده غیر تجاری تنها در صورتی مجاز است

که به اثر اصلی به نحو مقتضی استناد و ارجاع داده شده باشد

مقدمه:

خانواده، یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه و شکل‌دهنده شخصیت آدمی است. مطلوبیت، رضایت، خشنودی، کیفیت و کارکرد بهینه خانواده، عوامل بسیار مؤثری در شکوفایی، رشد و پیشرفت اعضای خانواده هستند و دستیابی به جامعه سالم در گرو سلامت خانواده و تحقق خانواده سالم مشروط به برخورداری افراد آن از سلامت روانی و داشتن ارتباط مطلوب با یکدیگر است (۱). امروزه مطالعه خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی و سلول اصلی جامعه و یا کوچکترین واحد بنیادی جامعه مورد توجه بسیاری از جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی بوده است. این امر با توجه به تأثیرات گسترش صنعت و رشد شهرنشینی در ابعاد و زمینه‌های مختلف مربوط به خانواده، اهمیت بیشتری یافته و محققان را بر آن داشته تا جهت بررسی مسائل انسانی، این نهاد را مورد تحقیق قرار دهند. در شرایط کنونی جوامع که فشارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و فشار ناشی از کار و برخورد‌های نظری و ارزشی فراوان است، خانواده باید محل امن و قابل اعتماد برای اعضاء خود باشد در غیر این صورت سلامت روانی اعضا خانواده و در نهایت سلامت روانی جامعه به خطر می‌افتد (۲).

عملکرد خانواده^۱ تلاشی و توانایی است که اعضای خانواده برای برقراری تعادل در نظام خانواده از خود نشان می‌دهد که در میزان هماهنگی آن‌ها با تغییرات در نظام، حل موفقیت‌آمیز تعارض‌های موجود بین اعضا و اتحاد آن‌ها در عین حال که حد و مرز و حریم بین افراد از بین نمی‌رود، میزانی که قوانین انضباطی و اصول این نهاد کوچک حکم فرماست، جلوه‌گر می‌شود و هدف آن حفظ و تداوم این نظام است (۳) و بدین ترتیب این نظام با حل مسائل و مشکلات در قالب ارتباطات و پاسخدهی و آمیختگی هیجانی و رفتارها و عملکرد اعضا ابعاد خود را شکل می‌دهد (۴). خانواده از اعضا تشکیل شده که هر کدام نقشی را در این میان بر عهده دارند و زن مؤثرترین عضو خانواده به شمار می‌آید که اداره خانواده و تربیت و تکامل آن را به عنوان نهادی اجتماعی برعهده دارد و بدین ترتیب اساسی‌ترین نقش را ایفا می‌کند. از این جهت است که برخورداری از جامعه و خانواده‌ای سالم در گروی زنان آن جامعه است. به همین دلایل است که توجه به مسائل و موضوعات مرتبط با زنان در تحکیم خانواده از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است (۵). برآورده شدن نیازهای هیجانی و جسمانی کودک در خانواده و به واسطه مظاهر دلبستگی کودک به قدر کافی موجب شکل‌گیری طرحواره‌های سازگارانه‌ای در مورد خود و دیگران می‌شود که احساس ارزش‌مندی، استقلال، شایستگی، دوست داشته شدن و مراقبت شدن را برای فرد به ارمغان می‌آورد و واکنش افراد به بافت اجتماعی را تعیین می‌کنند (۶)؛ با این حال روابط خانوادگی اولیه که حاکی از ناکارآمدی و بی‌کفایتی والدین در فراهم آوردن ساختار و روابط عاطفی چشمگیر و در حد نیاز است (۷) موجب به وجود آمدن طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌شود (۸). طرحواره‌های ناسازگار اولیه براساس نیازهای هیجانی ارضاء نشده در کودکی در پنج حوزه کلی شکل می‌گیرند که عبارت‌اند از: ۱- بریدگی و طرد^۲؛ ۲- خودگردانی و عملکرد مختل^۳؛ ۳- محدودیت‌های مختل^۴؛ ۴- دیگرجهت‌مندی^۵ و ۵- گوش به زنگی بیش‌ازحد و بازداری^۶ (۹). تعامل پیش‌آمادگی‌های ژنتیکی فرد و عوامل محیطی که روابط فرد

۱. family function

۲. schema

۳. disconnection and rejection

۴. impaired autonomy and performance

۵. impaired limits

۶. other/ directedness

۷. over-vigilance and inhibition

با والدین و دیگر افراد مهم زندگی را شامل می‌شود موجب شکل‌گیری سازه‌های شناختی عمیق و پایداری می‌شود که طرحواره‌های ناسازگار اولیه نامیده شده‌اند و این طرحواره‌ها عقاید و باورهایی را در مورد خود و دیگران شامل می‌شوند (۱۰) که می‌توانند بر ادراک فرد از واقعیت جهان بیرونی، پردازش شناختی و هیجانی و روابط بین‌فردی او تأثیر بگذارند (۱۱). از نظر کشاورز افشار و همکاران با توجه به اینکه عملکرد خانواده بر رفتار شخص در کودکی تأثیر می‌گذارد و از طرفی هم طرحواره‌های ناسازگار اولیه در کودکی شکل می‌گیرد و همچنین طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر عملکرد خانواده در زنان تأثیر می‌گذارد، می‌توان این گونه برداشت کرد که خانواده تأثیر شگرفی بر روی شخص می‌گذارد (۱۲).

تفاوت‌های زیست-شناختی در تنظیم هیجانی افراد (۱۳) می‌تواند به عنوان توانایی فرد برای انتقال هیجان و یا طرح‌ریزی سازوکارهای مدارا برای مدیریت هیجان در روابط خانوادگی و اجتماعی در نظر گرفته شود (۱۴) به طوری که عملکرد خانواده را شکل می‌دهد. علاوه بر متغیرهای محیطی نظیر عملکرد خانواده، نظریه‌های شخصیتی نیز سعی در تبیین تفاوت‌های نظام‌مند در بین افراد در عواطف و هیجان‌ها، شناخت و رفتار در موقعیت‌های مختلف و در طول زمان دارند. همچنان‌که برخی از نظریه پردازان سعی بر آن داشته‌اند با متوسل شدن به ژنتیک و فرایندهای نوروفیزیولوژیکی این تفاوت‌های فردی را در پاسخدهی هیجانی و فرایندهای انگیزشی افراد تبیین کنند. هر فردی با توجه به ساختار شخصیتی خود در مواجهه با رویدادهای تنش‌زا، به نسبت ارزیابی شناختی خود واکنش و هیجان‌های خاصی را نشان می‌دهد (۱۵). از جمله نظریه‌های شخصیتی و زیستی مطرح در این زمینه نظریه حساسیت به تقویت^۱ است که نظام‌های فعال‌ساز و بازدارنده رفتاری را نظام‌های عصب‌شناختی متمایزی با حساسیت به پاداش و تنبیه فرض می‌کند که هیجان و انگیزش آدمی را کنترل کرده و زیربنای تفاوت‌های شخصیتی است (۱۶). اولین سیستم، سیستم فعال‌ساز رفتاری^۲ است که به محرک‌های شرطی، پاداش و فقدان تنبیه پاسخ می‌دهد. فعالیت و افزایش حساسیت این سیستم، موجب فراخوانی هیجان‌های مثبت، روی آورد و اجتناب فعال می‌شود. دومین نظام، نظام بازداری رفتاری^۳ است که به محرک‌های شرطی تنبیه و فقدان پاداش و همچنین به محرک‌های جدید و محرک‌های ترس آور ذاتی پاسخ می‌دهد. فعالیت این سیستم، موجب فراخوانی حالت عاطفی اضطراب و بازداری رفتاری، اجتناب منفعل، خاموشی، افزایش توجه و انگیزش می‌شود. سومین سیستم، سیستم جنگ-گریز^۴ است که به محرک‌های آزارنده حساس است. دو مؤلفه رفتاری این سیستم کوشش‌های مربوط به مقاومت و جنگ و گریز است (۱۷).

طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر برداشت‌های فرد از محیط تأثیرگذارند به طوری که با سوء‌گیری‌های شناختی که برای فرد به واسطه تحریف پردازش شناختی به وجود می‌آوردند ادراک او را از واقعیت دچار تحریف کرده و بدین ترتیب فرد با نگرش‌ها، گمانه‌ها و چشمداشت‌های نادرست و غیرواقع‌بینانه به رخدادها و محیط می‌نگرد (۱۸)، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای شناختی هیجانی انعطاف‌ناپذیر و ناکارآمد بسیار اساسی هستند که تحت تأثیر پیش‌آمادگی‌های زیستی افراد و در بطن روابط بین فردی شکل گرفته‌اند و در روابط بین فردی نیز خود را نشان می‌دهند (۱۹) و از این جهت ممکن است تحت تأثیر قرار دادن تجربه هیجانی افراد موجب ناتوانی در زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها شده و عملکرد خانوادگی‌شان را تحت تأثیر قرار دهند. خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد جامعه، شکل‌گیری آن و عملکردش از طریق کنش‌های اجتماعی گذشته و حال اعضای خانواده صورت می‌گیرد و زنان در این میان نقشی

۱. Reinforcement Sensitivity Theory

۲. Behavioral Activation System (BAS)

۳. Behavioral Inhibition System (BIS)

۴. war-escape system

اساسی را ایفا می‌کنند و از این منظر بررسی متغیرهای اساسی اثرگذار مرتبط با زنان بر اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر می‌افزاید. از این‌رو، هدف پژوهش حاضر

روش پژوهش:

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری شامل ۶۰۰ زن متأهل مراجعه‌کننده به فرهنگ‌سراهای امام خمینی و قیطریه در منطقه ۱ شهر تهران در سال ۱۳۹۸ بود که به‌روش نمونه‌گیری در دسترس از میان آن‌ها ۳۵۰ نفر با در نظر گرفتن تعداد ۱۵ آزمودنی به ازای هر متغیر مشاهده شده (۲۰) که در پژوهش حاضر شامل ۲۲ متغیر با احتساب خرده مقیاس‌های هر ابزار بود و احتمال ریزش نمونه انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش شامل ساکن شهر تهران بودن، حداقل یک سال سابقه زندگی مشترک، سن بالاتر از ۱۸ سال و معیارهای خروج شامل معلولیت جسمانی و بیماری‌های مزمن، مصرف داروهای خاص و بستری شدن در طول سال گذشته به خاطر وضعیت جسمانی و روان‌شناختی بود. در پژوهش حاضر ملاحظات اخلاقی شامل رضایت آگاهانه، رازداری و محرمانه ماندن نتایج رعایت شد.

نسخه کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ^۱ (۱۹۹۸). نسخه کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ (۱۹۹۸) شامل ۷۵ گویه است و ۵ حوزه طرحواره‌ای بریدگی و طرد؛ خودگردانی و عملکرد مختل؛ دگرجهت‌مندی؛ گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری؛ محدودیت‌های مختل و ۱۵ طرحواره را در یک طیف لیکرت ۶ درجه‌ای از کاملاً درست درباره من=۶ تا کاملاً غلط درباره من=۱ مورد ارزیابی قرار می‌دهد (۲۱). در ایران صدوقی و همکاران برای این ابزار ضریب آلفای کرونباخ برای کل ابزار ۰/۹۴ و برای خرده مقیاس‌ها در دامنه‌ای از ۰/۶۲ تا ۰/۹۰ گزارش و تحلیل عاملی تبیینی با چرخش واریماکس مقیاس‌های قابل تفسیری را برای همه پانزده خرده‌مقیاس طرحواره مطرح شده توسط یانگ به بارآوردند (۲۲). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای ۵ حوزه طرحواره‌ای بریدگی و طرد؛ خودگردانی و عملکرد مختل؛ دگرجهت‌مندی؛ گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری؛ محدودیت‌های مختل به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۷۷، ۰/۸۰ و ۰/۸۷ به دست آمد.

مقیاس سیستم‌های بازداری/فعال‌سازی رفتاری^۲ کارور و وایت (۱۹۹۴). مقیاس سیستم‌های بازداری/فعال‌سازی رفتاری کارور و وایت که در سال ۱۹۹۴ ساخته شده شامل ۲۴ گویه است که دو خرده مقیاس بازداری رفتاری و فعال‌سازی رفتاری شامل ۳ خرده مقیاس سائق^۳، پاسخدهی به پاداش^۴ و جستجوی سرگرمی^۵ را در یک طیف لیکرت ۴ درجه‌ای از کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۴ مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این ابزار نمره بالاتر در خرده مقیاس مورد نظر به معنای بازداری یا فعال‌سازی بیشتر است. کارور و وایت ضرایب آلفای کرونباخ را برای خرده مقیاس بازداری ۰/۷۴ و برای خرده مقیاس فعال ساز ۰/۷۳ و همبستگی خرده مقیاس بازداری را با عاطفه‌پذیری منفی ۰/۴۲ و همبستگی خرده مقیاس فعال ساز را با عاطفه‌پذیری مثبت ۰/۳۱ گزارش کردند (۲۳). امیری و حسنی برای این ابزار ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۶۵ تا ۰/۸۷ و همبستگی خرده مقیاس‌های پاسخدهی به پاداش، سائق و جستجوی

۱. Young Schema Questionnaire-short form

۲. Scale of Behavioral Inhibition / Activation Systems

۳. Drive

۴. Reward Responsively

۵. Fun Seeking

سرگرمی با خرده مقیاس عاطفه مثبت برابر با ۰/۳۶، ۰/۱۷۸ و ۰/۱۸۸ و همبستگی خرده مقیاس بازداری رفتاری با خرده مقیاس عاطفه منفی ۰/۲۱ به عنوان روایی همزمان ابزار گزارش کردند (۲۴).

پرسشنامه سنجش خانوادگی مک‌مستر^۱ (۱۹۸۳). پرسشنامه سنجش خانوادگی مک‌مستر ساخته ایشتاین و همکاران (۱۹۸۳) ساخته شده شامل ۶۰ گویه است که ۶ خرده مقیاس حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراه عاطفی، آمیزش عاطفی؛ کنترل رفتار و عملکرد کلی را در یک طیف لیکرت ۴ درجه‌ای از کاملاً مخالفم= ۱ تا کاملاً موافقم= ۴ مورد ارزیابی قرار می‌دهد (۳). در ایران یوسفی برای این ابزار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و همبستگی خرده مقیاس‌های این ابزار را با خرده مقیاس الگوهای ارتباطی سازنده پرسشنامه الگوهای ارتباطی کریستینسن و سالوی ۱۹۸۴ در دامنه‌ای از ۰/۳۱ تا ۰/۴۶ گزارش کرده است (۲۵). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراه عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی به ترتیب ۰/۶۲، ۰/۶۶، ۰/۶۳، ۰/۶۴، ۰/۶۷، ۰/۶۵ و ۰/۶۱ به دست آمد.

پس از اخذ مجوز و ارائه آن به فرهنگ‌سراهای منطقه ۱ که به دلیل سهولت رفت و آمد انتخاب شدند، در اتاق مناسبی توضیحات مختصری درباره اهداف پژوهش، اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی، رازداری و نحوه تکمیل پرسشنامه‌ها به صورت فردی به هر یک از زنان ارائه شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار آموس^۲، برآورد بیشینه احتمال^۳، مدل اندازه‌گیری از طریق تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل مدل ساختاری از طریق تحلیل مسیر و شاخص‌های نیکویی برازش مجذور کای^۴ با مقدار احتمال بزرگ‌تر از ۰/۰۵؛ کای اسکوئر نرم شده^۵ با نقطه برش کوچکتر از ۳؛ ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب^۶ با نقطه برش کوچکتر از ۰/۰۸؛ شاخص نکویی برازش تطبیقی^۷ با نقطه برش کوچکتر از ۰/۹۰؛ شاخص نکویی برازش^۸ با نقطه برش کوچکتر از ۰/۹۵؛ و شاخص نکویی تطبیقی^۹ با نقطه برش کوچکتر از ۰/۹۵؛ با در نظر گرفتن مقادیر برازش ذکر شده توسط مایرز و همکاران در سال ۲۰۰۶ تحلیل شد (۲۶). سطح معناداری برای آزمون‌های آماری ۰/۰۵ در نظر گرفته شود.

یافته‌ها:

در این پژوهش ۳۲۴ شرکت‌کننده با میانگین و انحراف معیار سنی ۴۰/۷۴ و ۹/۷۳ حضور داشتند. شرکت‌کننده‌ها میانگین و انحراف معیار سال‌های زندگی مشترک با همسر خود را به ترتیب ۹/۷۲ و ۱۱/۴۱ اعلام کردند. میزان تحصیلات ۴۸ نفر (۱۴/۸ درصد) از

^۱. McMaster Family Assessment Device

^۲. AMOS

^۳. maximum likelihood

^۴. chi square

^۵. normed chi-square

^۶. root mean square error of approximation

^۷. comparative fit index (CFI)

^۸. goodness of fit index (GFI)

^۹. comparative fit index (CFI)

شرکت‌کننده‌ها زیر دیپلم، ۸۱ نفر (۲۵ درصد) دیپلم، ۱۰ نفر (۳/۱ درصد) فوق دیپلم، ۱۷۱ نفر (۵۲/۸ درصد) لیسانس و ۱۴ نفر (۴/۳ درصد) بالاتر از لیسانس بود.

جدول ۱: یافته‌های توصیفی

متغیرهای تحقیق	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. سیستم بازداری رفتار	۱/۵۴	۲/۸۰	-							
۲. سیستم فعال ساز رفتار - سائق	۱/۹۴	۲/۱۱	۰/۰۶	-						
۳. سیستم فعال ساز رفتار - پاسخ به پاداش	۱/۰۷	۲/۰۹	۰/۰۱	۰/۳۵**	-					
۴. سیستم فعال ساز رفتار - جستجوی سرگرمی	۱/۴۳	۱/۹۰	۰/۰۶	۰/۴۲**	۰/۳۷**	-				
۵. طرحواره - بریدگی/طرد	۵/۲۱	۱/۷۵	۰/۱۴*	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۰۲	-			
۶. طرحواره - خودگردانی/عملکرد مختل	۴/۳۴	۱/۱۴	۰/۰۱	۰/۰۶	-۰/۰۳	۰/۰۹	۰/۶۶**	-		
۷. طرحواره - دیگر جهت مندی	۳/۷۲	۸/۷۸	۰/۰۲	۰/۱۰	۰/۰۳	۰/۰۸	۰/۴۶**	۰/۴۷**	-	
۸. طرحواره - گوش به زنگی/بازداری	۲/۸۰	۸/۵۱	۰/۱۹**	۰/۰۳	۰/۱۳*	۰/۰۵	۰/۵۷**	۰/۴۲**	۰/۵۳**	-

ادامه جدول ۱

متغیرهای تحقیق	M	SD	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۹. طرحواره - محدودیت های مختل	۲۶/۹۳	۸/۳۴	-	-						
۱۰. عملکرد خانواده- حل مشکل	۱۸/۰۹	۲/۶۲	/۱۵**							
			-							
۱۱. عملکرد خانواده- ارتباط	۲۰/۱۶	۳/۳۷	/۲۷**	۴۷**						
			-							
۱۲. عملکرد خانواده- نقش ها	۲۲/۳۶	۳/۶۲	/۲۲**	۳۸**	۵۷**					
			-							
۱۳. عملکرد خانواده- همراهی عاطفی	۱۸/۰۱	۲/۷۱	/۱۹**	۳۶**	۵۴**	۵۶**				
			-							
۱۴. عملکرد خانواده- آمیزش عاطفی	۲۲/۱۰	۴/۷۳	/۱۹**	۳۲**	۴۰**	۵۰**	۴**			
			-							
۱۵. عملکرد خانواده- کنترل رفتار	۲۲/۱۸	۴/۲۳	/۲۱**	۱۸**	۳۵**	۳۹**	۴**	۳۵**		
			-							
۱۶. عملکرد خانواده- عملکرد کلی	۳۱/۷۷	۵/۰۱	/۱۵**	۵۱**	۵۶**	۵۳**	۵**	۳۹**	۳۲**	
			-							

*P>0.01, **P>0.05

جدول ۱ نشان می دهد که سیستم بازداری رفتار با مؤلفه های نقش ها و همراهی عاطفی عملکرد خانواده به صورت منفی و در سطح معناداری ۰/۰۵ و با مؤلفه های آمیزش عاطفی و عملکرد کلی آن به صورت منفی و در سطح معناداری ۰/۰۱ همبسته است. مؤلفه سائق سیستم فعال ساز رفتار با مؤلفه های ارتباط و همراهی عاطفی عملکرد خانواده به صورت مثبت و در سطح معناداری ۰/۰۱ و با مؤلفه کنترل رفتار آن به صورت مثبت و در سطح معناداری ۰/۰۱ همبسته بود. مؤلفه پاسخ به پاداش سیستم فعال ساز رفتار با مؤلفه های ارتباط، همراهی عاطفی و آمیزش عاطفی به صورت مثبت و در سطح معناداری ۰/۰۱ و با مؤلفه های کنترل رفتار و عملکرد کلی به صورت مثبت و در سطح معناداری ۰/۰۵ همبسته بود. مؤلفه جستجوی سرگرمی سیستم فعال ساز رفتار با مؤلفه های حل مشکل، ارتباط و همراهی عاطفی به صورت مثبت و در سطح معناداری ۰/۰۱ همبسته بود. به

استثنای رابطه بین حوزه دیگر جهت مندی طرحواره های ناسازگار اولیه و مؤلفه های حل مشکل و عملکرد کلی عملکرد خانواده، رابطه دیگر حوزه های طرحواره ها با دیگر مؤلفه های عملکرد خانواده منفی و دستکم در سطح ۰/۰۵ معنادار بود.

پیش از تحلیل مدل، بررسی مقادیر کشیدگی و چولگی متغیرهای پژوهش از یک سو و ارزیابی مقادیر ضریب تحمل و عامل تورم واریانس متغیرهای پیش بین از سوی دیگر نشان داد که مفروضه های نرمال بودن در بین داده های پژوهش حاضر برقرار است. همچنین ترسیم نمودار هیستوگرام اطلاعات مربوط به «فاصله مهلنوبایس» نشان داد که مفروضه نرمال بودن توزیع داده های چند متغیری نیز در بین داده های پژوهش حاضر برقرار است.

همچنان که در شکل ۱ ملاحظه می شود در پژوهش حاضر طرواره های ناسازگار اولیه، سیستم فعال ساز رفتاری و عملکرد خانواده متغیر مکنون بوده و مدل اندازه گیری پژوهش حاضر را تشکیل می دادند. در این پژوهش چنین فرض شده بود که متغیر مکنون سیستم فعال ساز رفتاری به وسیله نشانگرهای سائق، پاسخ به پاداش و جستجوی سرگرمی، متغیر مکنون طرحواره های ناسازگار اولیه به وسیله نشانگرهای بریدگی/طرده، خودگردانی/عملکرد مختل، دیگر جهت مندی، گوش به زنگی/بازداری و محدودیت های مختل و متغیر مکنون عملکرد خانواده به وسیله نشانگرهای حل مشکل، ارتباط، نقش ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی سنجیده می شود. چگونگی برازش مدل اندازه گیری با داده های گردآوری شده با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی و با به کار گیری نسخه ۲۴ نرم افزار AMOS و استفاده از روش براورد بیشینه احتمال^۱ (ML) مورد ارزیابی قرار گرفت. جدول ۲ شاخص های برازندگی مدل اندازه گیری اولیه و اصلاح شده آن را نشان می دهد.

جدول ۲: شاخص های برازش مدل های اندازه گیری و ساختاری

شاخص برازندگی	های	مدل اندازه گیری		نقطه برش
		اولیه	اصلاح شده	
مجذور کای ^۲	۲۸۴/۵۰	۲۴۶/۸۲	۲۸۵/۴۷	-
درجه آزادی مدل	۸۷	۸۶	۹۸	-
χ^2/df^3	۳/۲۷	۲/۸۷	۲/۹۱	کمتر از ۳
GFI ^۴	۰/۹۰۱	۰/۹۱۳	۰/۹۰۵	۰/۹۰ >
AGFI ^۵	۰/۸۵۸	۰/۸۷۴	۰/۸۶۵	۰/۸۵۰ >
CFI ^۶	۰/۸۹۷	۰/۹۱۶	۰/۹۰۳	۰/۹۰ >

^۱ -Maximum Likelihood

^۲ -Chi-Square

^۳ - normed chi-square

^۴ -Goodness Fit Index

^۵ -Adjusted Goodness Fit Index

^۶ -Comparative Fit Index

RMSEA^۱ ۰/۰۸۴ ۰/۰۷۶ ۰/۰۷۷ ۰/۰۸ <

جدول ۲ نشان می دهد، اگرچه شاخص های برازندگی حاصل از تحلیل عاملی تأییدی از برازش مدل اندازه گیری اولیه با داده های گراوری شده حمایت می کند ($\chi^2/df=3/27$, CFI = ۰/۸۹۷, GFI = ۰/۹۰۱, AGFI = ۰/۸۵۸, RMSEA = ۰/۰۸۴)، با وجود این ارزیابی شاخص های اصلاح مدل اندازه گیری نشان داد که می توان با ایجاد کوواریانس بین نشانگرهای حل مشکل و کنترل عملکرد خانواده شاخص های برازندگی بهتری به دست آورد ($\chi^2/df=2/87$, CFI = ۰/۹۱۶, GFI = ۰/۹۱۳, AGFI = ۰/۸۷۴, RMSEA = ۰/۰۷۶). جدول ۳ بارهای عاملی استاندارد و غیر استاندارد مربوط به نشانگرها در مدل اندازه گیری را نشان می دهد.

جدول ۳: پارامترهای مدل اندازه گیری پژوهش در تحلیل عاملی تأییدی

متغیر مکنون - نشان گر	b	β	SE	t
عملکرد خانواده- حل مشکل	۱	۰/۵۶۵		
عملکرد خانواده- ارتباط	۱/۷۳۲	۰/۷۵۹	۰/۱۷۸	۹/۷۰**
عملکرد خانواده- نقش ها	۱/۸۱۵	۰/۷۴۰	۰/۱۹۰	۹/۵۷**
عملکرد خانواده- همراهی عاطفی	۱/۴۲۴	۰/۷۷۶	۰/۱۴۵	۹/۸۲**
عملکرد خانواده- آمیزش عاطفی	۱/۸۹۶	۰/۵۹۳	۰/۲۲۵	۸/۳۱**
عملکرد خانواده- کنترل رفتار	۱/۴۸۷	۰/۵۲۰	۰/۲۱۱	۷/۰۴**
عملکرد خانواده- عملکرد کلی	۲/۴۶۱	۰/۷۲۶	۰/۲۶۰	۹/۴۶**
سیستم فعال ساز رفتار - سائق	۱	۰/۶۱۱		
سیستم فعال ساز رفتار - پاسخ به پاداش	۰/۹۴۷	۰/۵۸۹	۰/۱۴۸	۶/۴۲**
سیستم فعال ساز رفتار - جستجوی سرگرمی	۰/۹۶۵	۰/۶۵۵	۰/۱۵۱	۶/۳۸**
طرحواره - بریدگی / طرد	۱	۰/۷۸۴		
طرحواره - خودگردانی / عملکرد مختل	۰/۷۴۸	۰/۷۶۱	۰/۰۵۵	۱۳/۶۹**
طرحواره - دیگر جهت مندی	۰/۴۶۶	۰/۶۵۶	۰/۰۴۰	۱۱/۶۲**

^۱ (Root Mean Square Error of Approximation) ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب -

طرحواره - گوش به زنگی/بازداری	۰/۴۹۰	۰/۷۱۰	۰/۰۳۹	۱۲/۶۹**
طرحواره - محدودیت های مختل	۰/۵۳۹	۰/۷۹۸	۰/۰۳۷	۱۴/۳۸**

**P < ۰/۰۱

نکته: بارهای عاملی استاندارد نشده مربوط به نشانگرهای حل مشکل، سائق و بریدگی/طردها با عدد ۱ تثبیت شده، بنابراین خطای استاندارد و نسبت بحرانی آنها محاسبه نشده است.

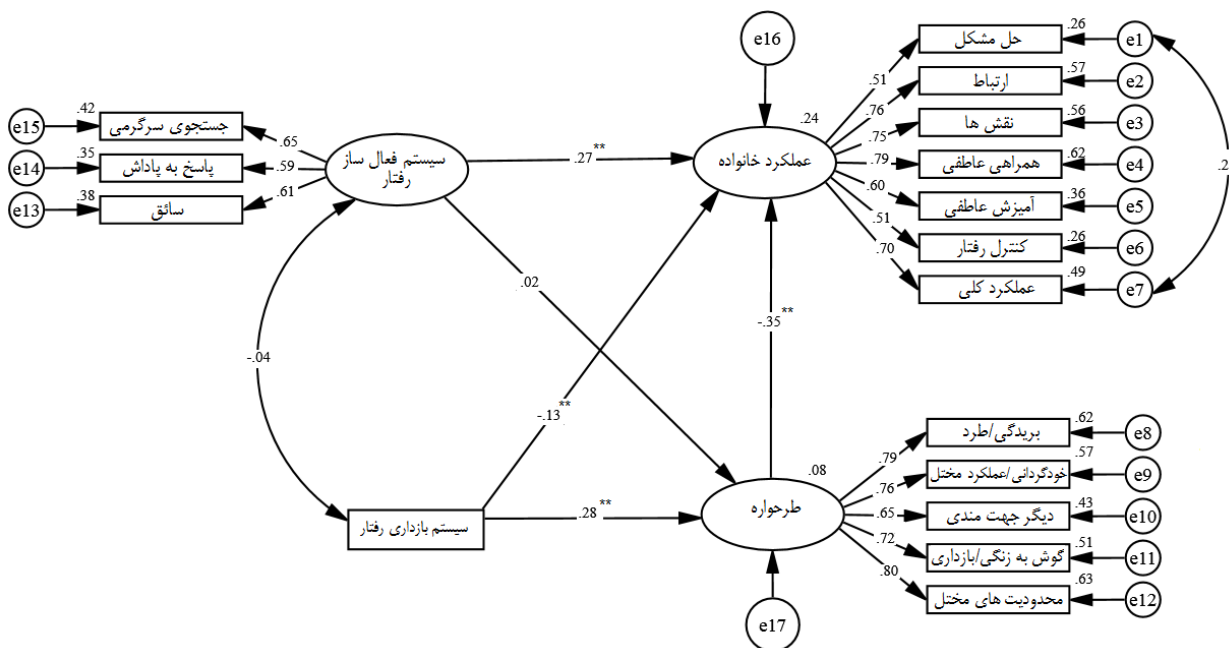
جدول ۳ نشان می‌دهد که پایین‌ترین بار عاملی متعلق به نشانگر کنترل رفتار ($\beta=0/520$) عملکرد خانواده و بالاترین بار عاملی متعلق به نشانگر محدودیت‌های مختل ($\beta=0/798$) طرحواره‌های ناسازگار اولیه بود. بدین ترتیب با توجه به این که بارهای عاملی همه نشانگرها بالاتر از ۰/۳۲ بود، بنابراین همه آنها از توان لازم برای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون پژوهش حاضر برخوردار بودند.

پس از اطمینان از برازش قابل قبول مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری شده و اطمینان از توان نشانگرها در اندازه‌گیری متغیرهای مکنون، فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری آزمون شد. همچنان که جدول ۲ نشان می‌دهد، همه شاخص‌های برازندگی از برازش قابل قبول مدل ساختاری با داده‌های حمایت نمودند ($\chi^2/df=2/91$ ، $GFI=0/903$ ، $CFI=0/865$ ، $AGFI=0/077$ و $RMSEA=0/077$). جدول ۴ ضرایب مسیر بین متغیرها را در مدل ساختاری نشان می‌دهد.

جدول ۴: ضرایب مسیر بین متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری

مسیرها	b	SE	β	sig
مسیر مستقیم سیستم‌بازداری رفتار ← عملکرد خانواده	-۰/۰۶۱	۰/۰۲۵	-۰/۱۳۴	۰/۰۰۸
مسیر مستقیم سیستم فعال ساز رفتار ← عملکرد خانواده	۰/۲۸۱	۰/۱۲۲	۰/۲۷۱	۰/۰۰۱
مسیر سیستم‌بازداری رفتار ← طرحواره‌های ناسازگار	۱/۱۷۶	۰/۲۸۳	۰/۲۸۲	۰/۰۰۱
مسیر سیستم فعال ساز رفتار ← طرحواره‌های ناسازگار	۰/۲۰۲	۰/۱۸۸	۰/۰۲۱	۰/۸۵۲
مسیر طرحواره‌های ناسازگار ← عملکرد خانواده	-۰/۰۳۸	۰/۰۱۰	-۰/۳۵۴	۰/۰۰۱
مسیر غیر مستقیم سیستم‌بازداری رفتار ← عملکرد خانواده	-۰/۰۴۵	۰/۰۱۴	-۰/۱۰۱	۰/۰۰۱
مسیر غیر مستقیم سیستم فعال ساز رفتار ← عملکرد خانواده	-۰/۰۰۸	۰/۰۳۶	-۰/۰۰۷	۰/۸۵۲
مسیر کل سیستم‌بازداری رفتار ← عملکرد خانواده	-۰/۱۰۶	۰/۰۲۵	-۰/۲۳۴	۰/۰۰۱
مسیر کل سیستم فعال ساز رفتار ← عملکرد خانواده	۰/۲۷۳	۰/۱۲۰	۰/۲۶۳	۰/۰۰۱

جدول فوق نشان می دهد که ضریب مسیر کل (مجموع ضرایب مسیر مستقیم و غیر مستقیم) بین سیستم بازداری رفتاری و عملکرد خانواده ($\beta = -0.234, p < 0.01$) منفی و در سطح 0.01 و ضریب مسیر کل بین سیستم فعال ساز رفتاری و عملکرد خانواده ($\beta = 0.263, p < 0.01$) مثبت و در سطح 0.01 معنادار است. همچنین جدول فوق نشان می دهد که ضریب مسیر بین طرحواره های ناسازگار اولیه و عملکرد خانواده ($\beta = -0.354, p < 0.01$) منفی و در سطح 0.01 معنادار است. در نهایت جدول ۴ نشان می دهد که ضریب مسیر غیر مستقیم بین سیستم بازداری رفتاری و عملکرد خانواده ($\beta = -0.101, p < 0.01$) بر خلاف ضریب مسیر غیر مستقیم بین سیستم فعال ساز رفتاری و عملکرد خانواده منفی و در سطح 0.01 معنادار است. شکل ۱ مدل ساختاری پژوهش را نشان می دهد.



شکل ۱: مدل ساختاری پژوهش

بحث و نتیجه گیری:

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که در بین زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره طرحواره های ناسازگار اولیه تنها رابطه بین سیستم بازداری رفتاری و عملکرد خانواده را - آن هم به صورت منفی - میانجیگری می کند.

در تبیین یافته های حاضر می توان گفت مفهوم سازی فعال سازی و بازدارندگی بصورت سیستم های عملکردی جداگانه، بیانگر این است که فرایندهای موجود برای کسب نتایج مثبت و مطلوب از فرایندهای موجود برای تلاش در جهت دوری از نتایج نامطلوب و منفی ارتباطی خانوادگی، متفاوت است. فعال سازی و بازداری رفتاری فقط پایه های مخالف یک بعد متوالی نیستند. دوری از یک چیز همانند عدم نزدیک شدن به آن چیز نیست و سیستم فعال ساز رفتاری فعال شده نشانگر سیستم بازداری رفتاری فعال نشده نیست. با توجه به این ارتباط نزدیک، این تفاوت بیانگر آن است که فرایندهایی که موجب پیشبرد روابط معنادار فردی و خانوادگی می شوند، با فرایندهایی که به افراد در محیط خانواده کمک می کنند تا تعارضات و تنش های درون خانواده را مدیریت کنند، یکی نیستند، درست مثل اینکه فرایندهایی که تعاملات منفی و نامطلوب را ایجاد می کنند با فرایندهایی که مثبت نگری

را از بین می‌برند، یکی نیستند. بنابراین، سیستم‌های فعال ساز رفتاری و بازداری رفتاری بصورت سیستم‌های جداگانه، می‌تواند بر روابط فردی و عملکرد خانواده مفید باشد. بعد فعال ساز رفتاری از یک جهت با کیفیت‌هایی که عواطف و هیجانات مثبت را تقویت می‌کنند (مثل شادی و محبت)، مشخص می‌شود و در رابطه فردی و خانوادگی شکوفا می‌شود و از طرف دیگر، با عدم وجود عاطفه و هیجان مثبت و وجود رکود بروز می‌کند. بعد بازداری رفتاری هم از یک جهت با عاطفه و هیجان منفی (مثل خشم و اضطراب) و تعارض در روابط درون خانواده مشخص می‌شود، اگرچه سوی دیگر آن هم با عدم وجود عاطفه منفی و حس امنیت و راحتی در رابطه و خانواده بیان می‌شود.

بنابراین برای مثال سیستم بازداری رفتاری بسیار فعال می‌تواند مانع از تحرک سیستم فعال ساز رفتاری شود. حتی وقتی انگیزه‌های مرتبط با هم وجود داشته باشد. میزان بالای خشم در برابر همسر و دیگر اعضای خانواده باعث می‌شود نشانه‌های محبت هم بی‌اثر باشند و میزان بالای علاقه هم می‌تواند عدم تفاهم جزئی را رفع کند. دوم اینکه محرک خاص می‌تواند همزمان بر دو سیستم موثر باشد، مثلاً با شدت بخشیدن یکی از آنها باعث تضعیف دیگری شود. برای مثال عدم تفاهم زناشویی در روابط خانوادگی و روابط جنسی به نظر می‌رسد که باعث بالا رفتن آثار بازداری رفتاری شود، درحالی‌که آثار فعال ساز رفتاری را از بین می‌برد. دیگر اینکه در حالتی بسیار نادر، وقایع خاص می‌توانند هر دو سیستم را به طور همزمان فعال کنند. مثل مورد روابطی که دوسوگرایی را با ایجاد هم احساس مثبت و هم احساس منفی تقویت می‌کند. مشاهده بلندمدت که میزان زیادی از علاقه افراد خانواده را برای ایجاد سطح بالای خشم فرامی‌گیرد، نمونه‌ای از این احتمال است. با وجود این ویژگیها، نکته اصلی اصل یک این است که وجود نتایج مثبت رابطه در رون خانواده نیازی به بیان عدم وجود نتایج منفی و غیره ندارد. بررسی‌های دقیق‌تر بسیاری از نتایج مختلف که معمولاً زندگی اجتماعی و روابط نزدیک را نشان می‌دهند، می‌توانند تشخیص بهتری از نتایج مربوط به بعد فعال ساز رفتاری را نشان دهند که به بعد بازداری رفتاری و به هر دو مربوط می‌شوند.

تفاوت‌های فردی در سیستم‌های مغزی/ رفتاری ممکن است بر نحوه واکنش افراد در مواجهه با تنش‌زاهای خانوادگی تأثیر بگذارد و رفتارهای متفاوتی را به دنبال داشته باشد. فعال‌ساز بیشتر بازدارنده‌های رفتاری موجب عاطفه منفی بالاتر می‌شوند و این رابطه زمانی افزایش می‌یابد که افراد قادر به درک و فهم و تنظیم هیجان‌های خود نباشند (۲۷)؛ درحالی‌که سیستم فعال ساز رفتاری فرد را در جهت تلاش و مقابله در رفع موانع و جستجوی اهداف خوشایند سوق می‌دهد، این سیستم رفتار جستجوی پاداش را به رغم وجود خطر یا تهدید موجود فعال می‌سازد و باعث فراخوانی هیجان‌های مثبت و رفتار روی آورد می‌شود. این عواطف مثبت از آنجاکه فرد را قادر به تحمل پریشانی و ارزیابی شناختی می‌سازد، منجر به این می‌شود که فرد دست به تلاش زده و اعمالی را که باید برای کاهش یا از بین بردن یک عامل تنش‌زا انجام دهد، محاسبه کند (۲۸).

زمانی که این طرحواره‌ها فعال می‌شوند، می‌توانند بر ادراک، واقعیت و پردازش شناختی فرد اثر بگذارند (۲۹). طرحواره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای هیجانی و شناختی خودشکننده‌ای هستند که در طول دوران رشدی گسترش می‌یابند و در طول زندگی تکرار می‌شوند. طرحواره‌های ناسازگار اولیه شیوه‌های بادوام، پایدار و مقاوم در برابر تغییر نگرستن به خود و تعامل با جهان پیرامون هستند (۳۰). طرحواره‌های ناسازگار اولیه، ریشه در دوران کودکی و نوجوانی دارند و بعدها ناسازگارانه می‌شوند زیرا مانع از برآوردن نیازهای هیجانی در آن دوران شده‌اند (۳۱). سیستم‌های مغزی/ رفتاری که تفاوت‌های فردی را در شخصیت افراد رقم می‌زنند، پیامدهای مثبت و منفی متنوعی را شامل سطوح بالایی از واکنش‌پذیری هیجانی و سبک‌های مقابله‌ای ناسازگارانه را موجب می‌شوند (۳۲) نظام‌های بازدارنده و فعال‌ساز رفتاری از طریق تحت تأثیر قرار دادن راهبردهای تنظیم هیجانی، پاسخ‌های هیجانی افراد را موجب می‌شوند. افراد دارای نظام فعال‌ساز رفتاری فعال‌تر در واقع رفتارهای فعال‌کننده و نزدیک‌شونده و از لحاظ انگیزشی احساس برانگیختگی و امید بیشتری را تجربه می‌کنند. فعالیت این نظام زمانی اتفاق می‌افتد که فرد با هیجان‌های

مختلف رو به رو می‌شود و با توجه به این هیجان‌ها به موقعیت پاسخ می‌دهد (۳۳). افراد با حساسیت سیستم بازدارنده رفتاری بالا ممکن است پتانسیل رویدادهای منفی را با آمادگی بالاتری تشخیص دهند و ممکن است به صورت فعال از چنین موقعیت‌هایی اجتناب کنند و بدین ترتیب پیش آمادگی بیشتری برای تشکیل طرحواره‌های ناسازگار اولیه دارند (۳۴).

طرحواره‌های ناسازگار اولیه، ریشه در دوران کودکی و نوجوانی دارند و بعدها ناسازگارانه می‌شوند زیرا مانع از برآوردن نیازهای هیجانی در آن دوران شده‌اند (۳۱). بدین ترتیب، رویدادهای آسیب‌زای دوران کودکی نه تنها موجب شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه در افرادی می‌شوند که ... می‌شوند بلکه به واسطه این طرحواره‌ها مانع از گسترش توانایی‌های تنظیم هیجانی به شیوه‌ای سالم می‌شود. آسیب‌های دوران کودکی، به‌ویژه آسیب‌های بین‌فردی تکرار شده بین مراقب و کودک، با اکتساب مهارت‌های تنظیم هیجانی مناسب تداخل می‌کنند (۱۹). ناکامی نیازهای هیجانی، رشد هیجانی- اجتماعی دوران نوجوانی و بزرگسالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، از جمله گسترش شناخت‌واره‌های منفی در مورد خود و دیگران، روابط شرطی بین محرک مربوط به آسیب و آشفتگی هیجانی، شناخت‌ها و خاطراتی که محرک‌های محیطی ناخوشایند آغازگر آن‌اند و تنظیم هیجانی رشد نیافته (۳۵). کودکانی که در دوران کودکی خود آسیب دیده‌اند، معمولاً ناچارند درد عاطفی و جسمانی زیادی را تحمل کنند، که این مانع از ایجاد احساس امنیت در آن‌ها می‌شود. بنابراین، این کودکان کم‌تر احتمال دارد مهارت‌های تنظیم مقابله با شناخت‌ها یا هیجان‌های منفی را گسترش دهند (۳۶). علاوه بر این، افراد دارای طرحواره‌های بریدگی و طرد انتظار ندارند که نیازهای امنیت، ثبات، محبت، همدلی، درمیان‌گذاشتن احساس‌ها، پذیرش و احترامشان به‌شیوه‌ای قابل‌پیش‌بینی برآورده شود. طرحواره‌های حوزه محدودیت‌های مختل به‌طور معمول در خانواده‌هایی به‌وجود می‌آیند که وجه مشخصه آن‌ها سهل‌انگاری و سردرگمی است (۹). بدین ترتیب چنین فردی خویشتن‌دار نبوده و نمی‌تواند ناکامی را به قدر کافی تحمل کنند. از سوی دیگر نمی‌توانند ابراز هیجان‌ها و تکانه‌هایشان را کنترل کنند و به تأخیر بیندازند. در حوزه طرحواره‌های خودگردانی و عملکرد مختل، انتظارهای فرد از خود و محیط با توانایی‌های محسوس او برای جدایی، بقا و عملکرد مستقل یا انجام موفقیت‌آمیز کارها تداخل می‌کنند (۱۸). در حوزه گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری، خانواده‌ها بر عملکرد عالی و بی‌نقص‌گرایی تأکید می‌کنند. طرحواره‌های حوزه دیگر جهت‌مندی به‌طور معمول در خانواده‌هایی به‌وجود می‌آیند که کودک را با قیدوشرط پذیرفته‌اند و کودک در چنین شرایطی برای دستیابی به توجه، عشق و پذیرش دیگران باید جنبه‌های مهم شخصیت خود را نادیده بگیرد (۹).

محدودیت پژوهش

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر، کنترل نشدن متغیرهایی چون وضعیت اجتماعی- اقتصادی به دلیل صرفه جویی در زمان و هزینه بود که تعمیم یافته‌های پژوهش را با محدودیت مواجه سازد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی متغیرهایی چون وضعیت اجتماعی- اقتصادی نیز کنترل شود. علاوه بر این‌ها محدودیت دیگر و اصلی این پژوهش استفاده صرف از پرسشنامه‌ها آن‌هم استفاده از پرسشنامه‌های کشورهای غربی به لحاظ نبود پرسشنامه‌هایی مطابق با فرهنگ ایران بود. پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی پرسشنامه‌هایی مطابق با زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی ایران ساخته و علاوه بر پرسشنامه‌ها از مشاهده و مصاحبه بالینی برای سنجش متغیرهای این پژوهش استفاده شود.

کاربرد پژوهش

طرحواره‌درمانی با توجه به پیش‌آمدگی‌های زنان مراجعه‌کننده به کلینیک‌های و مراکز مشاوره و روان‌درمانی برای بهبود خانوادگی آنها پیشنهاد می‌شود.

منابع

1. Sanjari S, Mohammadi Soleimani MR, Khanjani N, Mohseni M, Ahmadi Tabatabaei SV. The relationship between demographic factors, healthy family and social health with exclusive breastfeeding in women referred to Kashani hospital of Jiroft in 2014. *Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences*. 2016;15(2):165-78.
2. Yarmohamadian A, Mokhtari E. The relation between family function and coping styles with stressful situations among female students of Isfahan university in 2013. *Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences*. 2015;14(9):713-28.
3. Epstein N, Baldwin L, Bishop D. The McMaster Family Assessment Device. *Journal of Marital and Family Therapy*. 1983;9:171-80.
4. Goldenberg I, Stanton M, Goldenberg H. *Family therapy: An overview*. Cengage Learning ed2017.
5. Khatibi A. Survey of females' attitude toward factors affecting the family's strength (research done among women staff of Payam Noor University; Hamadan province). *Woman and Family Studies*. 2015;3(1):59-92.
6. Körük S. Early maladaptive schemas and attachment styles predicting tendencies in intimate relationship. 2017;3:393-411.
7. Mikulincer M, Shaver PR. An attachment perspective on psychopathology. *World Psychiatry*. 2012;11(1):11-5.
8. Bosmans G, Braet C, Vlierberghe L. Attachment and symptoms of psychopathology: Early maladaptive schemas as a cognitive link? *Clinical psychology & psychotherapy*. 2010;17:374-85.
9. Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. *Schema Therapy: A Practitioner's Guide*. 1st ed: Guilford Press; 2006.
10. González-Jiménez AJ, Hernández-Romera MdM. Early maladaptive schemas in adolescence: A quantitative study. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 2014;132:504-8.
11. Janovsky T, Rock AJ, Thorsteinsson EB, Clark GI, Murray CV. The relationship between early maladaptive schemas and interpersonal problems: A meta-analytic review. *Clinical Psychology & Psychotherapy*.
12. Keshavarz-Afshar H, Ghanbarian E, Jebeli SJ, Saadat SH. The relationship between differentiation of self and early maladaptive schemas with family performance components among the military women residing in Tehran, Iran. *Journal of Military Medicine*. 2019;20(6):635-44.
13. Dollar JM, Calkins SD. Emotion Regulation and Its Development. In: Benson JB, editor. *Encyclopedia of Infant and Early Childhood Development (Second Edition)*. Oxford: Elsevier; 2020. p. 546-59.
14. Barthel AL, Hay A, Doan SN, Hofmann SG. Interpersonal emotion regulation: A review of social and developmental components. *Behaviour Change*. 2018;35(4):203-16.

15. Corr PJ. Personality, biological models of. In: Wright JD, editor. International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition). Oxford: Elsevier; 2015. p. 857-62.
16. Shinagawa S, Babu A, Sturm V, Shany-Ur T, Toofanian Ross P, Zackey D, et al. Neural basis of motivational approach and withdrawal behaviors in neurodegenerative disease. *Brain Behav.* 2015;5(9):e00350-e.
17. Gray JA, McNaughton N. *The Neuropsychology of Anxiety: An Enquiry into the Functions of the Septo-Hippocampal System* 2nd ed. USA: Oxford University Press; 2003.
18. Rafaeli E B, DP, Young J. *Schema Therapy: Distinctive Features (CBT Distinctive Features)*. 1st ed: Routledge; 2014.
19. Kaya Tezel F, Tutarel Kişlak Ş, Boysan M. Relationships between childhood traumatic experiences, early maladaptive schemas and interpersonal styles. *Noro Psikiyatrs Ars.* 2015;52(3):226-32.
20. Kline RB. *Principles and practice of structural equation modeling*. 3rd ed. New York: Guilford press; 2011.
21. Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. *Schema therapy: A practitioner's guide*. 1st ed: Guilford Press; 2006.
22. Sadooghi Z, Aguilar-Vafaie ME, Rasoulzadeh Tabatabaie K, Esfehanian N. Factor Analysis of the Young Schema Questionnaire-Short Form in a Nonclinical Iranian Sample. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology.* 2008;14(2):214-9.
23. Carver CS, White TL. Behavioral inhibition, behavioral activation, and affective responses to impending reward and punishment: The BIS/BAS Scales. *Journal of Personality and Social Psychology.* 1994;67(2):319-33.
24. Amiri S, Hassani J. Assessment of Psychometric properties of Behavioral activation and Behavioral inhibition systems scale associated with impulsivity and anxiety. *Razi Journal of Medical Sciences.* 2016;23(144):68-80.
25. Yousefi N. An investigation of the psychometric properties of the McMaster Clinical Rating Scale (MCRS). *Quarterly of Educational Measurement.* 2012;2(7):91-120.
26. Meyers LS, Gamst G, Guarino AJ. *Applied multivariate research, design and interpretation*. London: Sage publication; 2006.
27. Merchán-Clavellino A, Alameda-Bailén JR, Zayas García A, Guil R. Mediating Effect of Trait Emotional Intelligence Between the Behavioral Activation System (BAS)/Behavioral Inhibition System (BIS) and Positive and Negative Affect. *Front Psychol.* 2019;10:424-.
28. Jangi Goujeh Biglou S, Narimani M, Jani S, Pouresmali A. The role of brain/behavioural systems in prediction of quality of life and coping strategies in cancer patients. *Journal of Kermanshah University of Medical Sciences.* 2014;17(12):779-88.
29. Cormier A, Jourda B, Laros C, Walburg V, Callahan S. [Influence between early maladaptive schemas and depression]. *L'Encephale.* 2011;37(4):293-8.
30. Shorey RC, Anderson S, Stuart GL. Early maladaptive schemas of substance abusers and their intimate partners. *Journal of psychoactive drugs.* 2013;45(3):266-75.

31. Guner O. Psychometric Properties and Normative values of Early Maladaptive Schema Questionnaires Set for Children and Adolescents (SQS). *Clinical psychology & psychotherapy*. 2017;24(2):534-54.
32. Soltan Mohammadlou S, Gharraee B, Fathali Lvasani F, Gohari R. The Relationship of Behavioral Activation and Inhibition Systems (BAS/BIS), Difficulty of Emotional Regulation, Metacognition with Worry. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences*. 2013;3(2):85-100.
33. McNaughton N, DeYoung CG, Corr PJ. Chapter 2 - Approach/Avoidance. In: Absher JR, Cloutier J, editors. *Neuroimaging Personality, Social Cognition, and Character*. San Diego: Academic Press; 2016. p. 25-49.
34. Gable SL, Reis HT, Elliot AJ. Behavioral activation and inhibition in everyday life. *Journal of Personality and Social Psychology*. 2000;78(6):1135-49.
35. Mahmoodnejad M, Karbalaee Mohammad Meigouni A, Sabet M. Prediction of suicidal ideation and interpersonal violence among labor children based on childhood trauma, emotion regulation difficulties and callous-unemotional traits. *Scientific Journal Management System*. 2018;25(1):1-22.
36. Dvir Y, Ford JD, Hill M, Frazier JA. Childhood maltreatment, emotional dysregulation, and psychiatric comorbidities. *Harv Rev Psychiatry*. 2014;22(3):149-61.